

نگاهی به چهار گلزار شجاعی

یاسر یاسین*

چکیده:

مؤلف چهار گلزار شجاعی هرچرن داس در میرته در سال ۱۱۲۳ ق به دنیا آمد. و اثر گران بها را به نام شجاع الدوله بهادر کرده است و این اثر را در سال ۱۱۹۹ ق نوشته و بعضی رویدادها تا سال ۱۲۰۱ ق اضافه کرده است. این اثر مشتمل بر چهار گلزار است. گلزار اول مشتمل بر پنج چمن است و آن بر احوال جکوها، راجه ها و پادشاهان هندوستان است. گلزار دوم درباره احوال راجه ها و پادشاهان دهلی است و این مشتمل بر دوازده قسم است. گلزار سوم درباره احوال سلطنت پادشاهان مسلمانان است. و این مشتمل بر نه قسم است. گلزار چهارم با شرح طولانی از زندگی نامه هرچرن داس آغاز می شود و برخی دیگر عناوین نیز در این ذکر اند.

واژه های کلیدی: هرچرن داس، چهار گلزار شجاعی، تاریخ نویسی، شجاع الدوله، شبه قاره و غیره.

* دانشجوی دوره دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

هرچرن داس بن اودی رای بن مکند رای بن ساگر مل تاریخ نگار قرن دوازدهم هجری قمری بود. وی در سال ۱۱۲۳ ق در میرته هندوستان فعلی چشم به جهان گشود. وقتی پدر بزرگش مکند رای در سال ۱۱۴۳ ق فوت شد، آن وقت وی بسیت ساله بود (۹۱۳-۱۹۲۲، Rieu) وی مدتی به خدمت نواب قاسم علی خان و فرزندانش در بنگله فیض آباد متصل اوده به علاقه نوکری زندگی کرد. قاسم علی خان از امرای بلند پایه دولت گورکانیان به شمار می آمد. هرچرن داس در سال ۱۱۶۷ ق همراه اربابش قاسم علی خان، دهلی را ترک کرد و به اوده رفت و در فیض آباد سکونت اختیار کرد و بعد از درگذشت قاسم علی خان در خدمت فرزندانش بخت النساء خانم و شفیق علی خان و نیز حسین علی خان پسر شفیق علی خان بسر برد. (برزگر، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۶۹۰)

درباره درگذشت وی معلوم نیست اما وی در سال ۱۱۹۹ ق در چهار گلزار شجاعی نوشته است که آن وقت هشتاد ساله بود و بعضی رویداد هاتا سال ۱۲۰۱ ق اضافه کرده است. (Storey، A-C، ۱۹۳۹، ۴۷۵)

هرچرن داس این اثر تاریخی را چهار گلزار شجاعی نامیده است دلیل انتخاب این اسم بنا به گفته مؤلف این است که: ”ادای حق نوکری جناب فیض البرکات نواب شجاع الدوله بهادر- دام اقباله و عزّ جلاله- نیز بجا باید آورد چون مزاج این عالی جناب از باغ ها و چمن های رنگا رنگ رغبت بسیار دارد و از آنجا که هرداستانی از این کتاب کمتر از گل ها و چمن های رنگا رنگ نیست بنا بر این آن را به چهار گلزار شجاعی موسوم ساختم.“ (ک ۸ پ، ۹ ر)

علت تالیف کتاب چهار گلزار شجاعی نیز این است که: ”چون شغل بجز بی شغلی باقی بماند به درس کتب و تواریخ پادشاهان سلف پرداختم“ (ک ۷ ر)

سپس در این باره بیشتر توضیح داده است: «ابراهیم علی خان نسبت قرابت قریبه از خان مغفور قاسم علی خان داشت و در علم ریاضی و فضیلت یکتای زمانه بود و بسیار از تواریخ پادشاهان سلف و دیگر کتب جمع نموده به درس آن شغل می داشتند. بر احوال این ضعیف آگاهی یافته بسیاری از کتب تواریخ مثل تاریخ فرشته و حبیب السیر و مرآت عالم و خلاصة الخیارات و غیره برای مطالعه عنایت فرمودند و دیگر کتاب های شاهنامه و کتاب رامین و مها بهارته و شی بهاگوت و جوک باشعت که فیضی از هندوی در فارسی تصنیف کرده که نزد این عاصی بودند. (مرزا، وحید ۱۹۷۲م، ۱۴۷)

مؤلف نوشته است: «تا این وقت هر چه از احوال پادشاهان و امرایان و دیگر احوالات زمانه از کتب های سلف دریافت نمود و آنچه از احوال زمانه حال دیده شنیده به قدر شعور و حوصله خود در قید قلم آورده. آینده امیدوار فضل الهی هستم که او کریم رحیم است کرمش چه می کند» (گ ۵۵۲ ر): کتاب «را به چهار گلزار شجاعی موسوم ساختم و پنج چمن آن بر احوال جکوها و راجه ها و پادشاهان هندوستان مقرر نمودم: چمن اوّل- در بیان احوال برمها و مهیس و بشن و آفرینش، چمن دوم- در بیان احوال ست جک، چمن سیوم در بیان احوال تیرتیا جک، چمن چهارم- در بیان احوال دواپیر جکو، چمن پنجم- در بیان احوال کلجک و راجه ها و پادشاهان هندوستان» (گ ۸ پ، ۹ ر). اما این توضیح نارساست و ساختار و تقسیم بندی متن بر این صورت است:

- گلزار اوّل در پنج چمن به طور مختصر در چمن اوّل احوال نرانکار و برمها، در چمن دوم احوال ست جکو و در چمن سوم احوال تیرتیا جکو و اوتارها و در چمن چهارم احوال دواپیر جکو و در چمن پنجم احوال کلجکو را آورده است.

- گلزار دوم در ذیل عنوان احوال راجه ۶ها و پادشاهان دهلی که در این وقت به شاهجهان آباد [د]هلی مشهور است احوال راجه ها را در دوازده (۱۲) قسم بیان کرده است و در ذیل هر قسم نیز احوال راجه-هایی را که يك جد مشترك داشته اند، آورده است. بدین ترتیب سرگذشت احوال یکصد و هفتده (۷۱۱) راجه را آورده است.

- گلزار سوم در ذیل عنوان «احوال سلطنت پادشاهان مسلمین» نه (۹) قسم آمده است: قسم اول در احوال سلطان شهاب الدین غوری و غلامان او «(گ ۳۲پ) (ذکر احوال چهارده پادشاه)، «قسم دوم در احوال پادشاهان خلجی که در دهلی فرمانروائی نمودند» (گ ۸۹ر) (ذکر چهار پادشاه)، «قسم سوم: احوال سلطنت خسرو خان» (گ ۱۳۵ر) (ذکر احوال همین پادشاه)، «قسم چهارم احوال غیاث الدین تغلق شاه» (گ ۱۳۵پ) (ذکر احوال هشت پادشاه)، «قسم پنجم در احوال سلطنت خضر خانی» (گ ۱۷۷ر) (ذکر احوال چهار پادشاه)، «قسم ششم احوال بهلول لودهی» (گ ۱۹۳ر) (ذکر احوال سه پادشاه)، «قسم هفتم در احوال سلطنت ظهیرالدین محمد پادشاه» (گ ۲۱۶ر) (ذکر احوال دو پادشاه)، «قسم هشتم در بیان احوال سلطنت شیرشاه و غیره افغانان» (گ ۲۶۹ر) (ذکر احوال دو پادشاه)، «قسم نهم [در] احوال حضرت همایون پادشاه» (گ ۲۹۰پ).

- گلزار چهارم از پایان قسم نهم مؤلف مطالب و رویداد ۶های فرعی را در ذیل چندین عنوان جای داده است. این گلزار با شرحی طولانی از زندگینامه؟ هرچند اس آغاز می شود. برخی دیگر از این عناوین عبارتند از: «ذکر درانت شاه، ذکر محبوس شدن عظیم الله خان، ذکر نوکر داشتن رساله شمشیر داغ، ذکر نهضت فرمودن نواب محمد سعید خان بهادر، ذکر جنگ راجه جی سنکه، ذکر آمدن صفدر

جنگ ابوالمنصور خان، ذکر روشنی، ذکر مواس شدن علی محمد خان، ذکر ابراهیم بیگ خان داروغه، ذکر خان عالی شائگرامی مرتبت عالی منزلت قاسم علی خان، ذکر شادی کتخدائی نواب شجاع الدوله بهادر، ذکر شاه عبدالغفور» و ...

مؤلف فقط برای گلزار اول عنوان «گلزار» را درج کرده و فراموش کرده است که برای بقیه فصل ها و بخش ها این عنوان را بیاورد. تقسیم بندی بالا نشان دهنده چهار بخش اصلی است که هر یک را می توان يك گلزار نامید.

هرچون داس احوال افراد را به ترتیب سیر تاریخی آورده است و نظم و ترتیب را حفظ کرده ولی گاهی هم این ترتیب را به هم زده است مثلاً در پایان احوال بابر پادشاه هم نسبش را آورده است و هم تاریخ فرزندان چنگیز خان را آورده است. در حالی که در بخش های پایانی کتاب باز هم مدخلی را به احوال خود اختصاص داده است و هرگاه ذکر احوال يك پادشاه تمام می شود، اخلاق و عادات او را توصیف می کند و اگر آثاری داشته باشد، از آنها نام می برد. وی در حجم مطالب برای افراد یکسان عمل نکرده است. مثلاً در حالی که صفحات بسیاری را به ذکر جزئیات اعمال و رفتار سلطان علاؤ الدین (از امرای خلیج) و یا بابر پادشاه اختصاص داده، درباره احوال سلطنت خسرو خان فقط نوشته است: «چنانچه مذکور شد پنج ماه خاك ندامت بر سرانداخته رفت» (ك ۱۳۵ ر) یا در باره نورالدین محمد جهانگیر با اینکه بیش از بیست و دو سال پادشاهی کرده ولی در دو صفحه احوال سلطنتش را نوشته است و هیچ اشاره ای به اتفاقات و حوادث زمان او ندارد.

نکته برجسته درباره چهار گلزار شجاعی آن است که با اینکه هرچون داس از منابع مختلف رو نویسی کرده است اما سبک نوشتاری وی يك دست است. حتی وی هنگام رو نویسی از برخی از منابع باز هم کلمات و جملات را مطابق با سبک

نوشتاری خود تغییر داده است.

جمع های بی قاعده: یکی از ویژگی های بابسامد بالادر این اثر جمع هایی هستند که از روی قاعده ساخته نشده اند مثلاً امرایان، خودها، همه ها، مایان و غیره برای نمونه چند جمله که در آنها جمع های بی قاعده آمده ذکر می شود: ”امرای اطراف ... با خودها موافقت کرده“ (ک ۶۴ ر) و ”همه ها از دست این ظالمان خلاص شده آمده اند.“ (ک ۲۴۹ ر).

حروف اضافه: مؤلف برخی از حروف اضافه را در معنایی جز معنایی متداول آنها به کار برده است: مثلاً کاربرد ”به“ بجای ”با“: ”لشکر بسیار جمع نموده به الله داد جنگ کرده غالب آمد.“ (ک ۱۸۶ ر)

کاربرد ”از“ در معنایی ”با/به“: ”رعیت از ابوبکر شاه مخالف شده“ (ک ۱۲۶ پ)
لغات عامیانه و گفتاری: برخی از لغات عامیانه هستند یا صورت گفتاری دارند مثلاً کاربرد ”وا“ بجای ”باز“: بعد از شام دوکان را بندمی ساخت و یا وامی کرد“ (ک ۱۲۱ ر).

لغات ابداعی: برخی از لغات مؤلف ابداعی هستند به و ویژه که در لغت نامه ها و سایر متون یافت نشدند مثلاً ”پادشاه مجلس کنکایش ساخته به مشورت پرداخت“ (ک ۲۴۰ ر).

یکی از جنبه های ارزش ادبی این کتاب، اشعاری است که در متن آمده و بی شك بسیاری از آنها سروده خود مؤلف هستند، هرچرن داس مجموع چهار صد و هفتار و یک بار به ابیات و چهل بار به مصاریع استشهاد کرده است. این اشعار از نظر وزن، قافیه و ردیف ایراد و اشکالات فراوانی دارند. اشعاری که زاده طبع هرچرن داس هستند ماده تاریخ وفات یا زمان رویداد جنگ ها و بنای ساختمان ها هستند و

موضوع دیگر اشعار نیز پند و اندرز دادن درباره اهمیت ندادن به دنیا و خوبی کردن و بدی نکردن است.

برخی اشعار از دیگر شاعران هستند اما مؤلف یکی دوبار به نام شاعر اشاره کرده است، ”نصیحت شیخ فرید الدین را فراموش کرد.

نظم:

آتشی تیز است صحبت اهل دنیا فقر را
صد بلاها می رساند اهل دنیا فقر را
چون شدی ملحد به حق با اهل دنیا دل مبنده
صحبت ایشان کند کاری چو آتش در سپند

(ک ۹۶ ر)

مؤلف مدعی است که اشعار از عطار هستند اما این ادبیات در آثار عطار پیدا شد:
به قول شیخ سعدی شیرازی:

تو بجای پدر چه کردی خیر
تا همان چشم داری از پسرت

(ک ۳۷۱ ر)

این ابیات در گلستان سعدی آمده است (سعدی، ۱۳۸۸: ۱۱۹)
این رباعی که از زاد طبع او بود:

ما را که قدم بر سر گردون شاید
از توده سنگ گل چه قدر افزایش
این سنگ شکسته را ازان نهادیم درست
باشد که شکسته ای در او آساید

(گ ۱۰۲ ر)

منابع مؤلف را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

- مؤلف بخشی از مطالب را به عنوان شاهد آن وقایع از حافظ خود نقل کرده است. این مطالب بیشتر در گلزار چهارم نقل شده است.

- مؤلف کتابهای متعددی در اختیار داشته و هر بخش از تاریخ خود را از روی این کتاب ها نوشته یا مطالب آنها را خلاصه کرده است. برخی از منابعی که مؤلف به آنها استناد کرده عبارتند از: «صدر جهان گجراتی در تاریخ خود نوشته که ...» (گ ۱۳۷ ر)، «در تاریخ کبروی مذکور است که سلطان را در هفت محل سیاست لازم است» (گ ۱۴۸ پ)، «القصه ضیاء برنی نوشته است که سلطان در آنوقت به من گفت که ...» (گ ۱۵۱ ر)، «مؤلف تاریخ فرشته می نویسد که ...» (گ ۱۵۴ ر)، «و در واقعات بابری مذکور است که» (گ ۲۳۶ ر)، «و در رساله واقعات بابری مرقوم است که» (گ ۲۵۵ پ)، «شیخ ابوالفضل بن شیخ مبارک جزوی و کلی احوالات محمد اکبر پادشاه را قریب یک لک بیت در اکبرنامه نوشته و محمد قاسم فرشته خلاصه آن را در کتاب تاریخ فرشته ثبت نموده و این عاصی هرچند اس از تاریخ فرشته درین کتاب مرقوم ساخته» (گ ۳۰۲ پ)، «نسبت سلطان مرزا از جانب پدر به امیر تیمور در واقعات بابری مرقوم شده» (گ ۳۲۱ پ)، «خواجه نظام الدین احمد در تاریخ اکبری نوشته است که» (گ ۶۸۲ پ). دیگر کتاب هایی که مؤلف به آنها استناد کرده، عبارتند از «تاج المآثر» (گ ۷۴ ر)، «جامع الحکایات» از نظام الملک محمد (گ ۵۵ پ)، «طبقات ناصری» (گ ۶۱ ر)، «قران السعدین امیر خسرو» (گ ۸۵ ر)، «تواریخ پادشاهان غوری» (گ ۸۹ پ)، «تاریخ فیروزشاهی» (گ ۹۷ پ، ۱۶۱ پ).

- دسته سوم از منابع هرچند اس منابع مبهم هستند. به این صورت که مؤلف به آوردن عباراتی از قبیل عبارات زیر بسنده کرده است: «کتب معتبره هند چنان به اثبات رسیده» (گ ۹)، «تفصیل آن در کتب مبسوط مذکور است» (گ ۳۵)، «در بعضی تواریخ مسطور است که قصر نو تیار شده بود» (گ ۱۳۶ پ)، «در بعضی تواریخ مسطور است» (گ ۱۷۲ ر)، «در بعضی تواریخ معتبره نوشته اند» (گ ۱۷۷ ر)، «در بعضی تواریخ مذکور است» (گ ۲۱۰ ر)، «گویند که...» (گ ۲۱۴ ر، ۲۴۴ پ)، «خان جهان لودی از تصرف اولیای دولت به در رفت و نیز بر آن روایت می کنند» (گ ۳۴۵ پ)، «چنانچه در کتب متداوله مذکور است» (گ ۲۱۸ ر)، «آنچه از کتب تواریخ سلف دریافته شد نوشته شد» (گ ۱۶۳ ر)، «راویان اخبار و ناقلان حکایات این که دور دوار بر این گونه آورده اند که» (گ ۲۶۹ پ)، «راویان اخبار بر این گونه روایت می - کند» (گ ۲۹۱ ر)، «و از ثقات چنان معلوم شد که» (گ ۳۰۴ پ) و عباراتی از این قبیل.

نسخه دست نویس این اثر به شماره ۵۳/۱۸ Pel در مجموعه سید عبدالله در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور، پاکستان. نگاه داری می شود (Abdullah Syed 1942, p60) اندازه ابعاد آن 10x6 (8x5) است. جلد آن خاکستری رنگ است. ۵۷۳ برگ دارد. (منزوی، احمد، ۱۹۸۸ م، ص ۵۲۶) هر برگ حاوی نوزده (۱۹) سطر است عنوان شنگرف است برگه های فرد رکابه دارند. خط آن نیز شکسته است.

نسخه دست نویس دیگر چهار گلزار شجاعی به شماره or. 1732 در کتابخانه موزه برطانیه نگاه داری می شود (Rieu Charles 2011, pp912, 913) در حقیقت این نسخه خلاصه نسخه دست نویس کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب

لاهور است و این نسخه مشتمل بر سه نسخه است که هر سه را تکرار کرده است و این نسخه مشتمل بر ۲۶۳ برگ و هر صفحه ۵۱ سطر دارد و اندازه ابعاد صفحه ۱۶/۴ x ۱۱ است.

ویک فوتو کاپی این نسخه موزه برطانیه در کتابخانه دانشگاه علیگره هند نیز نگاه داری می شود.

کتاب شناسی و منابع:

- برزگر، حسین (۱۳۸۰ ش)، هرچرنداس، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۸ ش)، گلستان، تهران: بهزاد.
- منزوی، احمد (۱۹۸۸ م)، فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- هرچرنداس (۱۲۰۱ ق)، چهار گلزار شجاعی، نسخه خطی به شماره Pe I 453/18، دانشگاه پنجاب، لاهور (پاکستان).

-Abdullah Syed (1942), A Descriptive catalogue of Persian, Urdu & Arabic Manuscripts in the Punjab University Library, University of the Punjab, Lahore.

-Rieu Charles (2011), Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum, London: Koros.

-Storey, C.A. (1939), Persian Litterature A Bibliographical Survey, S. 2, London :LUZAC & CO.

